

آوارگی انسانها بیانگر بربریت سرمایه داری است



صدای انترناسیونالیستی

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

تصاویر دردناک، غم‌انگیز و غیر انسانی که علیرغم سانسور ژورنالیست‌های محترم [۱]، از موج اخیر پناهجویان در مقابل دیدگان بشریت قرار می‌گیرد، واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است. تصویر کودکی که تنها سه سال از بهار زندگی اش گذشته بود و سر بر خاک افتاده بود، کشف جنازه بیش از ۷۰ انسان از کامیونی که حتی حیوانات را سوار آن نمی‌کنند، غرق شدن روزانه صدها نفر در کشتی‌های غیر استاندارد، تجمع انسان‌های خسته، درمانده و کودکان پشت سیم‌های خار دار و دهها فاجعه و تراژدی دلخراش دیگر، تنها گوشه بسیار کوچکی از جنایات نظام کثیف سرمایه‌داری است. از یک سو بورژوازی غرب تلاش می‌کند نقش ریاکارانه خود را ایفا کند، ژست مدافع حقوق بشر به خود بگیرد و در شکل ناجی آوارگان ظاهر می‌شود و از سوی دیگر همبستگی انسانی مردمان کشورهای غربی، بخصوص جوانان ستودنی است.

سوالی که قطعاً مطرح می‌شود، این است، زمینه‌های خانه‌خرابی و آوارگی میلیون‌ها انسان چیست؟ در جریان جنگ سرد، ایدئولوگ‌ها، ژورنالیست‌ها، تئوریسین‌ها و در یک کلام دستگاه‌های تبلیغاتی بورژوازی غرب در تقلاي شبانه‌روزی بودند تا به بشریت القاء کنند که بلوک شرق صلح، آرامش و امنیت بشریت را تهدید میکند. تبلیغات می‌کردند که بدون وجود بلوک شرق و در سایه دموکراسی، بشریت به بهشت رویائی خود دست خواهد یافت. سرانجام سرمایه‌داری دولتی (بلوک شرق) بدلیل معضلات درونی خود در رقابت با دموکراسی از هم‌پاشید و دمکرات‌ها پیروز شدند. قرار بود پیروزی دموکراسی بقول جورج بوش پدر "رفاه، آرامش و توازن" را برای بشریت به ارمغان بیاورد.

اما با فروپاشی سرمایه‌داری دولتی، نه تنها از آرامش و رفاه خبری نشد بلکه نسل‌کشی‌ها و قتل‌عام‌های انجام‌یافته در طول ۲۵ سال گذشته قابل‌مقایسه با ۴۴ سال دوران جنگ سرد نیست. هنوز ۸ ماه از فروپاشی دیوار برلین نگذشته بود که حمام خون جنگ خلیج‌براه‌افتاد و هزاران نفر آواره شدند. در قلب اروپا امپریالیست‌های دمکرات یوگسلاوی را به دندان کشیدند و برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم موج صدها هزار نفری پناهندگان در قلب خود اروپا بوقوع پیوست. نسل‌کشی‌های یوگسلاوی سابق نتیجه رقابت قدرتهای بزرگ امپریالیستی مخصوصاً آمریکا، آلمان و روسیه بوده است. آمریکا بوسنی‌ها را حمایت می‌کرد، آلمانها کرواتها و روسیه صربها را. بر اثر رقابت بین مهد تمدن بورژوازی، فرانسه، از یک سو و انگلیس و آمریکا از سوی دیگر ۸۰۰۰۰۰ نفر در رواندا قتل‌عام شدند، آوارگی و پناهندگی انسانها در افریقا با توجه شرایط اسفناک و غیر انسانی آنجا تنگ بشریت است. هنوز خون نسل‌کشی‌ها در قلب اروپا نخشکیده بود که آمریکا لشکرکشی به افغانستان را براه انداخت، موج میلیونی آوارگان براه افتاد. آمریکا برای تحکیم هژمونی خود جنگ عراق را براه انداخت. جنگ سوریه، جنگ یمن، جنگ اوکراین، جنگ فلسطین و تازه باید به اینها دهها جنگ کوچک دیگر مثل تیمور شرقی، چین و غیره را اضافه کرد، این جنگها آوارگی، خانه‌خرابی و موج پناهندگی را یکی بعد از دیگری براه انداخته است.

بعد از جنگ جهانی دوم میزان آوارگی (پناهندگی) انسانها تا این اندازه نبوده است و برای اولین بار به یک فاجعه تبدیل شده است. آوارگی انسانها به تبع جنگ‌نه‌ناشی از سیاستهای دولتهای دیکتاتور بلکه ناشی از راه حل سرمایه‌داری به بحران خود است. وقتی که راه‌حلهای کوتاه مدت برای

انباشت سرمایه دیگر کارساز نیست، سرمایه به راه حل دراز مدت خود، جنگ متوسل می شود و چرخه بحران، ویرانی و بازسازی تکرار می شود. در شرایط کنونی از یک سو بدلیل نبود دو بلوک سیاسی، اقتصادی و نظامی و از سوی دیگر بدلیل اینکه پرولتاریا در سطح جهانی در حالت شکست مطلق نیست، جنگها شکل جهانی به خود نمی گیرند بلکه بسوی جنگهای محلی گرایش پیدا می کنند.

حال به این مسئله برمیگردیم که چرا دولتهای اروپای در ابتدا ژست بشر دوستانه به خود گرفتند، سپس مرزهای خود را بروی پناهجویان بستند. اولاً کشورهای غربی بدلیل رشد پائین جمعیت به نیروی کار نیاز دارند و ۷۷ درصد متقاضیان پناهندگی در سن کار کردن هستند و پذیرش پناهجویان می تواند به افزایش نیروی کار و به تبع آن به رشد اقتصادی کشورهای اروپائی کمک کند. ثانیاً بورژوازی غرب باید نقش مدافع حقوق بشر را ایفا کند، پرچم دموکراسی بورژوائی را بیفزاید تا جلوی بعضی خطرهای احتمالی را بگیرد. نارضایتی مردمی به معضل پناهندگی و شرایط اسفناک پناهجویان علیرغم موج خارجی ستیزی در کشورهای غربی می توانست زمینه اعتراضات را در کشورهای غربی بوجود بیاورد و یک خطر بالقوه باشد.

"یک دلیل بسیار عملی وجود دارد که چرا آلمان تعداد زیادی پناهنده می پذیرد" عنوان مقاله است که «بیزنس اینسایدر» درج کرده است. [۲] در آن مقاله وزیر اقتصاد آلمان زیگمار گابریل اظهار امیدواری می کند که "اگر بتوانیم آنها را که پیشمان می آیند به سرعت آموزش دهیم و وارد کار کنیم، می توانیم یکی از بزرگترین مشکلات آتی اقتصادمان را رفع کنیم: کمبود نیروی کار ماهر را".

اما هجوم پناهندگان بیشتر از آنی شد که کشورهای اروپائی تصور میکردند، سیاست سخاوتمندانه جای خود را به سیاست پلیسی داد. برای اولین بار قرارداد «شننگن»، یعنی رفت آمد آزادانه درون کشورهای عضو به حالت تعلیق درآمد. دولت مجارستان موانع مرزی درست کرد و مرز خود را بروی پناهندگان بست و اعلام کرد کسانی که به شکل غیر قانونی از مرز عبور کنند، بازداشت خواهند شد. مقامات آلمان حداقل هزار نفر را که فاقد مدارک شناسائی بودند، در مرز اتریش بازداشت کردند و بدنبال آن پلیس در اقدامی بی سابقه وارد قطارها شد و کسانی را که فاقد مدارک شناسائی بودند بازداشت کرد. پلیس آلمان حتی در بزرگراهها به تقشیش اتومبیل ها پرداخت تا پناهجویان «غیر قانونی» را بازداشت کند.

سرمایه داری منشا تمامی بدبختی ها و مشقات نه تنها برای طبقه کارگر ، بلکه برای کل بشریت است. از سرتا پای نظام توحش سرمایه داری خون، کثافت و لجن می بارد. مادامیکه سرمایه داری به عمر ننگین خود ادامه میدهد، انسانها در چهار گوشه این کره خاکی آواره خواهند شد.

همبستگی انسانی با آوارگان و پناهندگان بسیار ارزشمند و ستودنی است. اما اگر این همبستگی با مبارزه طبقاتی عجین نشده باشد و در راستای نابودی نظام بربر سرمایه داری نباشد، همین همبستگی انسانی در روند خود نقش موسسات خیریه را ایفا خواهد کرد و در راستای توهم پراکنی دموکراسی خواهد بود. تنها در مبارزه طبقاتی در سطح جهانی است که همبستگی انسانی شکل

همبستگی طبقاتی بخود می گیرد، در تداوم و تکامل خود نظام سرمایه داری را به چالش می کشد و زمینه را برای انقلاب کمونیستی مهیا می کند.

فیروز اکبری

۱ مهر ۱۳۹۴

توضیحات:

[۱] در یکی از این تصاویر، مردی با بچه در بغل که توانسته است از چنگ پلیس بگریزد، با لگد یکی از ژورنالیستها با شرف مجارستانی بر زمین می غلظد. این خانم محترم ظاهراً کم ناشی بوده که انزجار خود را در مقابل دهها دوربین آشکار اظهار داشته است.

[۲] <http://uk.businessinsider.com/r-in-ageing-germany-refugees-seen-as-tomorrows-skilled-workers-2015-9?r=US&IR=T>